

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مجموعہ درس گفتاری دہارہ:

روش تحقیق عمومی

بارویکرد علوم انسانی - اسلامی

دکتر احمد پاکتچی

تنظیم و ویرایش:

مصطفی فروتن تنها

باہتمام:

انجمن علمی دانشجویان الہیات دانشگاه امام صادق علیہ السلام

فهرست مطالب

سخن ناشر	۹
مقدمه	۱۳
پیشگفتار	۱۳
فصل ۱. ماهیت و استانداردهای تحقیق	۱۷
۱-۱. اشتراک لفظی تحقیق	۱۷
۲-۱. تفاوت مطالعه و تحقیق	۱۹
۳-۱. ویژگی های یک پژوهش	۲۱
۱-۳-۱. نوآوری	۲۱
۲-۳-۱. رعایت نظم جمعی	۲۲
۳-۳-۱. دقت	۲۲
۴-۱. ویژگی های فردی محقق	۲۳
۵-۱. دامنه کاربرد روش تحقیق	۲۵
۱-۵-۱. گونه های علوم	۲۶
۶-۱. اهداف این کتاب	۲۹
۷-۱. استانداردهای تحقیق	۳۰
۱-۷-۱. ایده	۳۰
۲-۷-۱. تعیین موضوع (عنوان)	۳۱
یکم. استانداردهای تعیین موضوع (عنوان)	۳۱
الف. انتخاب واژه های تعریف شده و معنی دار	۳۱

- ب. سنجش امکانات محلی برای تحقیق ۳۳
- ج. سنجش امکانات شخصی ۳۴
- د. ضرورت ۳۵
- دوم. دامنه عنوان ۳۷
- فصل ۲. مطالعه اولیه ۳۹**
- ۲-۱. نحوه استفاده از کتابخانه‌ها ۳۹
- الف. کتابخانه‌های باز ۳۹
- ب. کتابخانه‌های بسته ۴۰
- ۲-۲. منابع مطالعه اولیه ۴۰
- ۲-۲-۱. دایرةالمعارف‌ها ۴۰
- یکم. دایرةالمعارف‌های عمومی ۴۱
- دوم. دایرةالمعارف‌های تخصصی ۴۲
- ۲-۲-۲. کتاب‌های دستی ۴۲
- ۲-۳. ثمرات مطالعه اولیه ۴۳
- ۲-۳-۱. ایجاد سؤال ۴۳
- ۲-۳-۲. بازنگری در عنوان ۴۳
- ۲-۳-۳. شکل‌گیری و وضوح ایده ۴۴
- ۲-۴. روش کار با منابع ۴۵
- ۲-۵. منبع‌یابی ۴۷
- ۲-۵-۱. دایرةالمعارف‌ها و کتب دستی ۴۷
- ۲-۵-۲. ارجاعات موجود در تحقیقات و آثار شناسایی شده ۴۹
- ۲-۵-۳. راهنماهای کتاب‌شناختی ۵۱
- ۲-۶. کتاب‌شناسی توضیحی ۵۲
- فصل ۳. یادداشت‌برداری ۵۷**
- ۳-۱. طبقه‌بندی موضوعی فیش‌ها ۵۸
- ۳-۱-۱. طبقه‌بندی بر اساس رابطه علت و معلول ۵۸
- ۳-۱-۲. طبقه‌بندی زمانی ۵۸
- ۳-۱-۳. طبقه‌بندی مکانی ۵۹

فهرست مطالب □ ۷

۶۰	۳-۱-۴. روش مقایسه‌ای
۶۲	۳-۲. درجه‌بندی منابع
۶۶	۳-۳. موارد استفاده از منابع دست اول و دوم
۶۹	۳-۴. روش‌های یادداشت‌برداری
۷۶	۳-۴-۱. یادداشت‌برداری توضیحی
۸۱	۳-۴-۲. یادداشت‌برداری به زبان محقق (خلاصه‌نویسی)
۸۵	۳-۴-۳. یادداشت‌برداری به صورت چکیده
۸۶	یکم. کاربردها
۸۸	۳-۴-۴. یادداشت‌برداری به صورت نقل قول
۸۸	یکم. کاربردها
۹۰	۳-۴-۵. یادداشت‌های شخصی
۹۳	فصل ۴. نگارش نهایی
۹۳	۴-۱. رابطه تحقیق و نگارش
۹۷	۴-۲. مراحل نگارش
۱۰۲	۴-۲-۱. تهیه طرح
۱۰۳	۴-۲-۲. جبران کاستی اطلاعات
۱۰۵	۴-۲-۳. ایجاد و توسعه بند (پاراگراف) در بدنه مقاله
۱۰۵	یکم. بند چیست؟
۱۱۰	دوم. ساختار یک بند
۱۱۱	الف. آسیب‌های تداعی
۱۱۳	ب. زیبایی مهمتر است یا دقت؟
۱۱۴	سوم. خردسازی مقاله به مجموعه‌ای از بندها
۱۱۷	۴-۲-۴. ضعف‌های مقاله اولیه و رفع آنها
۱۱۸	یکم. گسترش (توسعه) بندی
۱۲۲	دوم. پیوند بندی
۱۲۳	سوم. تقسیم بندی (پاراگرافی)
۱۲۸	۴-۲-۵. طبقه‌بندی و فصل‌بندی
۱۳۵	۴-۳. علایم تقسیم‌بندی

۱۳۵ ۱-۳-۴. مقالات لاتین
۱۳۶ ۲-۳-۴. مقالات فارسی و عربی
۱۳۷ ۴-۴. مستندسازی
۱۴۱ ۵-۴. دلایل مستندسازی
۱۴۴ ۶-۴. ارجاع به منابع مختلف
۱۴۷ ۱-۶-۴. ارجاع به یک کتاب
۱۵۱ ۲-۶-۴. ارجاع به نسخ خطی
۱۵۲ ۳-۶-۴. ارجاع به منابع غیرکتابی
۱۵۶ ۴-۶-۴. ارجاع به منابع و اسناد ویژه
۱۶۱ فصل ۵. آشنایی با دایرةالمعارفها
۱۶۲ ۱-۵. تفاوت دایرةالمعارفهای عمومی و تخصصی
۱۶۴ ۲-۵. دایرةالمعارفهای عمومی
۱۶۵ ۳-۵. آشنایی با چند دایرةالمعارف عمومی
۱۶۵ ۱-۳-۵. به زبان فارسی
۱۶۷ ۲-۳-۵. به زبان عربی
۱۶۹ ۳-۳-۵. به زبان انگلیسی
۱۷۳ ۴-۵. چند دایرةالمعارف ملی
۱۷۵ ۵-۵. علل تعدد دایرةالمعارفها
۱۷۶ ۶-۵. دایرةالمعارفهای تخصصی
۱۷۷ ۷-۵. آشنایی با چند دایرةالمعارف تخصصی
۱۸۱ منابع
۱۹۷ نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی- کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند- درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

مطالبی که در پیش‌اروی خوانندگان گرامی قرار دارد، صورت پیاده شده از مجموعه دروسی است که با همین موضوع از سوی بنده ارائه شده است. با وجود آنکه تلاش دانشجویان و همکاران عزیز بنده در آماده سازی این مجموعه، درخور تقدیر است، اما به هر روی باید به تفاوت ماهوی که میان القای درس و تألیف وجود دارد، توجه داشت. در این باره هم باید به کم دقتی‌ها و خطاهایی اشاره کرد که به سبب ارائه شفاهی درس، اجتناب‌ناپذیر است و هم به مطالب ننگته‌ای اشاره کرد که به سبب سطح مخاطبان درس و محدودیت وقت از بیان آن پرهیز شده است. البته همکاران در آماده‌سازی کوشش داشته‌اند تا حد ممکن هم از خطاها بکاهند و هم در سطح محدودی به مستند یابی مطالب پردازند. در طی سالها فعالیت آموزشی و پژوهشی، بسیار رخ داده است که درسی با عنوان یکسان، بارها و با تفاوتی در مطالب توسط اینجانب ارائه شود، ولی در پیاده‌سازی حاضر، بر یکی از این دروس القا شده، یا تلفیق دو دوره تدریس بسنده شده است.

پوشیده نیست که اگر چنین درسنامه‌هایی با استقصای همه دروس القا شده و تجمیع آنها فراهم آید و مستندیابی کامل درباره آن انجام شود، بخشهایی از مطالب گفته نشده در آن تدارک شود و نهایتاً به دیده تألیف

نگریسته شده، یک دور با مسئولیت کامل مؤلف ویراست علمی شود، به صورت مطلوب نزدیکتر خواهد بود. این مسیری است که به عنوان یک طرح کلان پژوهشی در دست انجام است و با توجه به مراجعاتی که وجود داشت، برآورد آن شد که به لحاظ مطلوبی دورتر، از امکانی که در دسترس است، چشم پوشی نشود. امید است که خطاها به دیده اغماض نگریسته، و مضامین به بوته نقد نهاده شود، باشد که بازتاب آن در اختیار ما قرار گیرد و بتواند در ویراست اصلی این آثار سودمند واقع گردد.

احمد پاکتچی

تهران ۹۰/۱۰/۲۰

پیش‌گفتار

انجمن علمی دانشجویی الهیات به منظور انسجام فعالیت‌های علمی، پژوهشی و ایجاد نشاط علمی در دانشجویان الهیات در سال ۱۳۸۳ به همّت جمعی از دانشجویان این رشته با عنایت خداوند متعال تأسیس گردید.

از جمله اهداف انجمن می‌توان به زمینه‌سازی جهت شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های علمی پژوهشی دانشجویان، تلاش جهت پژوهش‌محور نمودن آموزش از طریق ایجاد رابطه منطقی بین آموزش و پژوهش، ایجاد رقابت و فرصت‌های عادلانه علمی به منظور شناسایی و سازماندهی استعدادهای دانشجویان، بهره‌گیری از مشارکت آنان در ارتقای فضای علمی دانشگاه و زمینه‌سازی جهت تبلور و شفاف‌سازی خواسته‌های دانشجویان در امور علمی و پژوهشی اشاره نمود.

جهت تحقق این اهداف گام‌هایی از جمله برگزاری سخنرانی‌ها، نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها و همایش‌های علمی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی-پژوهشی و نمایشگاه‌های علمی و تخصصی، تشکیل گروه‌های مطالعاتی، سازماندهی اردوها و بازدیدهای علمی و تولید و انتشار منشورات علمی-دانشجویی به حول و قوه الهی برداشته شد.

نظر به استقبال دانشجویان ارجمند - اعم از اعضای دانشگاه و حتی خارج از دانشگاه - از آثار برخی اساتید که در کلاس‌های درسی و یا

سخنرانی‌های علمی و... ارائه شده بود، انجمن علمی دانشجویی الهیات بر آن شد جهت احیای چنین آثاری که حاوی نوآوری‌های علمی و ابتکارات اساتید ارجمند دانشگاه است، اقدام به انتشار آنها نماید.

مجموعه پیش رو، متن سلسله جلسات استاد ارجمند دکتر احمد پاکتچی است که در یک نیمسال تحصیلی ذیل دو واحد درسی «روش تحقیق و آمار» در دانشگاه امام صادق علیه السلام ارائه شده و پس از پیاده‌سازی و حروف‌چینی، ویرایش و فهرست‌بندی شده است. نکته بسیار مهم و قابل تأمل در مورد این اثر، کاربردی بودن نکات استاد جهت نوشتن یک مقاله یا تحقیق علمی می‌باشد به طوری که استاد کلیه مراحل جهت آماده‌سازی یک تحقیق علمی - از مطالعات اولیه تا فیش‌نویسی و پاک‌نویس نمودن و حتی نکات قابل توجه جهت چاپ تحقیق - را به صورت گام به گام در کلاس خود با ذکر مثال‌های ساده و کاربردی به دانشجویان آموزش داده‌اند.

لازم به ذکر است منبع کمکی استاد در این درس، کتاب «راهنمای کامل نگارش مقالات پژوهشی» نوشته جیمز لستر^۱ بوده است. سعی شده اطلاعات این مجموعه، به روز شود؛ برخی از مثال‌ها و نام مقالاتی که در متن آمده، واقعی نبوده و فرضی‌اند.

ویراستار محترم تا حد ممکن صورت گفتاری سخن را به نوشتاری تبدیل کرده است اما از دگرگون کردن متن و بازنویسی آن پرهیز داشته تا کیفیت پرداختن به بحث و شیوه آن عوض نشود. لازم به ذکر است در برخی موارد که به دلایلی، ابهاماتی در متن پیاده شده از نوارهای کلاس درسی وجود داشت، ویراستار ارجمند با مراجعه به استاد محترم، از نظر ایشان جهت بازسازی مطلب بهره برده است.

امید است انتشار این اثر در کنار سایر فعالیت‌های انجمن علمی دانشجویی الهیات گامی دیگر - گرچه کوچک - به منظور زمینه‌سازی

^۱ Lester, James, D., *Writing Research Papers: A Complete Guide*, London: Longman, 10th Edition, 2001.

حضور پررنگ‌تر کلیه علاقه‌مندان و پژوهش‌گران در حوزه مطالعات اسلامی به ویژه دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام در عرصه جهاد علمی باشد؛ گامی در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری مدّ ظله العالی مبنی بر دستیابی این دانشگاه به جایگاه مرجعیت علمی در حوزه علوم انسانی.

بدیهی است بهره‌مندی از نظرات پژوهش‌گران ارجمند در مورد این اثر، ما را در ارائه کم‌نقص‌تر ویرایش‌های آتی، در قالب یک کتاب رسمی یاری خواهد نمود؛ لذا از طریق پست الکترونیکی و نشانی مندرج در شناسنامه اثر، مشتاقانه در انتظار انتقادات و پیشنهادهای مخاطبان ارجمند هستیم.

در پایان لازم است از همه کسانی که ارائه این اثر حاصل تلاش‌های مجدّانه آن‌هاست از جمله دانشجویان عزیز مصطفی فروتن تنها، سید محمد صادق میرجلیلی و محمد جانی پور تشکر و قدردانی نموده، از درگاه ایزد منّان برای ایشان توفیق روزافزون مسئلت نماییم.

و ما توفیقنا اِلَّا بالله العلیّ العظیم

محمد جواد نیک‌روش

تابستان ۱۳۸۸



ماهیت و استانداردهای تحقیق

۱-۱. اشتراک لفظی تحقیق

به نظر می‌رسد بر سر معنای «روش تحقیق» اختلافی وجود نداشته باشد ولی قطعاً بر سر معنای «تحقیق»، این اختلاف وجود خواهد داشت. واژه «تحقیق»، یک واژه آشنا برای ماست که به طور معمول در محاورات روزانه به کار برده می‌شود؛ مثلاً می‌گوییم در حال نوشتن تحقیق درسی فلان درس هستم و... یکی از مسائلی که معنای تحقیق را در زبان فارسی مشکل می‌کند، اشتراک لفظی آن است؛ «تحقیق» جزء واژه‌هایی است که برای چند معنا به کار برده می‌شود. البته این مسئله، عیبی برای زبان فارسی محسوب نمی‌شود. وقتی به مغازه لبنیاتی مراجعه کنید و بگویید من شیر می‌خواهم از شما نمی‌پرسند چه نوع شیری، بلکه می‌دانند که منظور شما شیری است که از حیوان دوشیده می‌شود؛ وقتی هم به مغازه لوازم ساختمانی مراجعه کنید و بگویید یک شیر مخلوط می‌خواهم می‌دانند منظور شما از شیر، وسیله کنترل‌کننده عبور آب است. بنابراین به راحتی به وسیله قرائن و شواهد، مشکلات ما در مورد واژه‌های مشترک لفظی برطرف می‌شود.

امروزه با واژه‌هایی مواجهیم که حوزه‌های معنایی آنها به حدی به هم نزدیک و در هم ادغام شده است که برای یافتن معنای صحیح آن قدری باید تلاش کرد. باید چند معنای تحقیق را از هم تفکیک نماییم و بگوییم در

درس روش تحقیق کدام یک از این معانی مد نظر ماست. همیشه مشترک‌های لفظی مثل شیر به راحتی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و گاهی مشکلاتی ایجاد می‌کنند. در معنای دانشگاهی تحقیق - نه معنای آن در اداره آگاهی و بازرسی تحقیق - بر هر کار غیر آموزشی، نام تحقیق گذاشته می‌شود. یعنی به راحتی به هر نوع فعالیت علمی که آموزشی نیست، تحقیق می‌گویند؛ چه استاد بخواهد مطالعه‌ای درباره مطلبی انجام دهد و گزارشی بنویسد، چه دانشجو. تا زمانی که استاد در کلاس تدریس می‌کند نام فعالیت وی، درس است؛ به محض اینکه بحث نگارش یک جزوه درسی یا نوشتن یک مقاله پیش می‌آید، نام آن را تحقیق می‌گذارند. رابطه تحقیق به این معنا، و تحقیقی که در این کتاب مد نظر ماست، عموم و خصوص مطلق است. یعنی تمام تحقیقات و پژوهش‌هایی که مد نظر ما در این کتاب است، به معنی کار فرآزمایشی هست ولی هر کار فرآزمایشی، تحقیق به معنای اصطلاحی نیست. کار تحقیقی و پژوهشی باید استانداردهایی داشته باشد تا بتوان نام «کار تحقیقی» روی آن گذاشت. در رشته فقه عده‌ای مجتهد می‌شوند و عده زیادی هم مجتهد نمی‌شوند. هر کس برای اینکه مجتهد شود لازم است درس فقه بخواند ولی عکس آن صدق نمی‌کند و کلیت ندارد؛ نمی‌توان گفت که هر کس که درس فقه می‌خواند مجتهد می‌شود، چون ممکن است استمرار، پشتکار و شروط لازم را نداشته باشد. برای انجام یک کار تحقیقی لازم است مجموعه‌ای از مطالعات فرآزمایشی انجام گیرد اما این‌گونه نیست که هر کار غیر آموزشی با این اصطلاح خاص، عنوان تحقیق را داشته باشد. این از باب لطف است که اسم هر کار غیر آموزشی در محیط دانشگاه را تحقیق گذاشته‌ایم! بنابراین در تفکیک آنچه واقعاً تحقیق است و آنچه که تنها عنوانش را تحقیق گذاشته‌ایم دچار مشکل هستیم.

همان‌طور که گفتیم مشکل ما این است که اصطلاح تحقیق به دو معنا به کار می‌رود: یک معنای موسّع و یک معنای مضیق. معنایی که در این کتاب مد نظر ماست، معنای مضیق آن است. بسیاری از کارهایی که در دانشگاه به اسم

تحقیق انجام می‌دهیم، چیزی در حد یک تکلیف درسی یا کمی بالاتر از آن است. مثلاً هنگامی که به دانشجو یا استاد گفته می‌شود از مجموع کتاب‌های منتشر شده در زمینه «روش تحقیق» یک جزوه درسی تهیه کند، نمی‌توان نام یک تحقیق را روی کار او گذاشت. البته این کار در حد تکلیف درسی نیست بلکه یک کار جدی است. این عمل هنوز در حد استانداردهای یک کار تحقیقی و پژوهشی نیست اما در زندگی روزمره، چنین کاری بالاترین درجه تحقیق است. گاهی هم هست که یک استاد در یک مسئله خاص، نظریه نوینی ارائه می‌کند. این هم یک تحقیق است اما ماهیتاً تفاوت زیادی با مورد قبل دارد.

۲-۱. تفاوت مطالعه و تحقیق

زمانی می‌توان درک بهتری از تحقیق - به معنای خاص و مضیق آن - داشت که بتوان چند مفهوم را از هم تفکیک نموده و استانداردهایی را شناسایی کنیم. از این پس، به آن اصطلاح دانشگاهی که هر کار فرآزموشی را تحقیق می‌نامید، مطالعه (Study) می‌گوییم. در زبان فارسی به تحقیق به معنای اخص آن، پژوهش (Research) یا پِژوهش گفته می‌شود.

در دنیای علم همواره تفاوتی جدی میان مطالعه و تحقیق، قائل می‌شوند؛ به همین دلیل است که باید به نام‌گذاری مراکز مختلف علمی در سطح جهان دقت کرد. مؤسسات گوناگونی با نام‌هایی از قبیل مرکز مطالعات آسیایی، مرکز مطالعات خاورمیانه و مرکز مطالعات اسلامی دایر شده است اما موارد بسیار محدودتری با نام مرکز تحقیقات یا مؤسسه پژوهشی وجود دارد. کسی که به خود اجازه می‌دهد مؤسسه‌ای با این نام‌ها تأسیس کند، حتماً باید به عواقب آن فکر کرده باشد، چرا که جایگاه این نام در نگاه آکادمیک، بسیار بالاست.

راه رفتن انواع مختلفی دارد؛ یک نوع آن رژه است که همه با هم و محکم حرکت می‌کنند به گونه‌ای که احساس می‌کنیم یک جمع در حال حرکت

است نه یک فرد؛ حضور فرد در رژه، محسوس نیست. از این طرز راه رفتن افراد، ناگهان پدیده جدیدی ایجاد می‌شود که با پدیده راه رفتن عادی متفاوت است. یعنی با این رژه، یک وجود اعتباری جدید پیدا می‌شود که قبلاً نبود. مطالعه هم مانند راه رفتن، یک فعالیت است. تا زمانی که این کار، جمعی نشده است، در عین اینکه یک فعالیت جدی است ولی هنوز اتفاق خاصی نیفتاده است. به محض اینکه این فعالیت از جنبه فردی خارج شود و جنبه دانشگاهی و گروهی پیدا کند، پدیده جدیدی متولد می‌شود. به عنوان مثال، دانشگاهی چند نفر را مأمور کرده تا در زمینه علوم قرآنی مطالعه کرده و سطح علمی دانشگاه را در این زمینه ارتقا دهند. اگر این مطالعه، مانند رژه دارای ویژگی خاصی شود و در پیکره یک مجموعه قرار گیرد، تبدیل به یک توانایی فوق مطالعه عادی شده و آن را وارد مقوله دیگری می‌کند که اصطلاحاً به آن تحقیق می‌گویند. حاصل تحقیق هم تولید علم است.

در دوره‌های زمانی متقدم، دانشمندانی مانند رازی، ابن سینا و شیخ انصاری با تفکر فردی خود، نظریه جدیدی مطرح می‌کردند اما گستردگی موضوعات علمی و شرایط روز علم، ایجاب می‌کند توسعه و تولید علم به صورت جمعی و با همکاری گروهی صورت گیرد نه به صورت فردی.

یک کار جمعی مشکلاتی دارد که کار فردی، خالی از آنهاست. مهم‌ترین مشکل، یک‌سو کردن این فعالیت‌هاست و مهم‌ترین مسئله در یک‌سو نمودن فعالیت‌ها، یکسان‌سازی روش‌هاست. یعنی خروجی کار هر فرد، باید برای نفر بعدی مفید فایده باشد. لازمه یک‌سو کردن و جمع نمودن فعالیت‌های محققان، ایجاد مجموعه‌ای از روش‌های قراردادی برای کار پژوهشی است. البته این امر به معنی تعطیل کردن فکر شخصی و سلب ابتکار عمل یک فرد نیست، بلکه منظور از آن، طبقه‌بندی و یکسان‌سازی روش‌ها تا حد امکان است به نحوی که نتیجه کار، تحقیقی قابل استفاده برای پژوهش‌گر دیگر باشد.

۳-۱. ویژگی‌های یک پژوهش

در صورت وجود ویژگی‌های زیر در یک مطالعه، یک تحقیق یا پژوهش شکل خواهد گرفت:

۱-۳-۱. نوآوری

اصلی‌ترین تفاوت کار پژوهشی با یک مطالعه عادی، نوآوری است. اگر شما در مورد زیدیه در ایران کتابی چهار جلدی بنویسید که تاریخ زیدیه در ایران، فرهنگ، حکومت‌ها، شخصیت‌ها و تمام کتاب‌های آنها را معرفی کنید و حتی زحمت فراوانی بکشید، این کار یک مطالعه محسوب می‌شود؛ اما اگر مقاله‌ای مختصر در حد دو صفحه بنویسید و حرف تازه‌ای درباره زیدیه بزنید، این یک کار پژوهشی خواهد بود. این یعنی تفاوت تحقیق با مطالعه، هیچ ربطی به اندازه و ابعاد و حجم کار ندارد بلکه اتفاقاً درست به عکس است و معمولاً یک کار تحقیقی، کوتاه است.

نشریات خاصی وجود دارند که به این نوع مقالات اختصاص دارند. اگر به دنبال یک کار تحقیقی هستید، به ندرت می‌توانید چنین چیزی را در کتاب‌ها بیابید چرا که کتاب‌ها معمولاً حاصل تحقیقات هستند نه خود تحقیقات. امکان ندارد که یک نفر به اندازه چهار جلد، حرف و نظر تازه داشته باشد. طبیعی است که می‌توان تصور کرد یک محقق، ده تا پنجاه صفحه حرف تازه داشته باشد اما نمی‌توان باور کرد که سه‌هزار صفحه حرف تازه داشته باشد. البته محال عقلی نیست، عادتاً نمی‌شود.

موتور اصلی جریان تولید علم، همین ویژگی نوآوری است. شاید این سؤالات مطرح شود که یک محقق، این اطلاعات جدید را از کجا به دست می‌آورد؟ چه روش‌هایی وجود دارد که انسان بتواند این تولید علم را انجام دهد؟ چگونه می‌توان یک مجهول را به یک معلوم تبدیل کرده و یک کشف

علمی انجام داد؟ پاسخ این موارد، بحث‌های زیادی می‌طلبند که بخشی از آنها در همین کتاب مطرح خواهد شد.

۱-۳-۲. رعایت نظم جمعی

مانند نظم‌هایی که در رژه نظامیان وجود دارد، تحقیق نیز نیازمند یک نظم خاص است؛ نظم‌هایی که قابل انطباق با دیگران بوده و ایجاد یک همکاری جمعی نماید و آلاً طبیعتاً هر شخص می‌تواند یک نظم برای خود ایجاد کند! مثل اینکه فردی عادت کرده باشد هر روز ساعت ده صبح سر کار برود! این نظم نیست. این کار باعث به هم خوردن سیستم آن اداره می‌شود. نظم این است که فرد، هر روز ساعت ۷ صبح - هماهنگ با سایر کارکنان - به محل کارش برود. این نظم، قابل انطباق با دیگران و همان همکاری جمعی است که امکان ایجاد یک پیکره واحد در جهان امروز را فراهم می‌کند. با وجود چنین نظم‌هایی است که افراد می‌توانند از نتیجه تحقیقات یکدیگر استفاده کنند. در صورت فقدان این ویژگی، امکان استفاده از خروجی تحقیقات دیگر وجود ندارد. مثلاً فردی در اسپانیا، پروژه‌ای تحقیقی درباره مشکلات آموزش ریاضی دانش‌آموزان دختر پایه ابتدایی انجام داده است. حال، اگر یک ایرانی بخواهد این تحقیق را مورد استفاده قرار دهد، اگر زبان تحقیقی او - نه ترجمه از زبان اسپانیایی به فارسی - را نفهمد، کار آن محقق اسپانیایی، لغو و بیهوده خواهد بود و حداکثر، فایده‌ای محدود و منطقه‌ای خواهد داشت.

۱-۳-۳. دقت

دقت از ویژگی‌هایی است که یک پژوهش را از حالت آزاد و بی‌دغدغه خارج کرده، حالتی جدی و رسمی به آن می‌دهد. یک پژوهش‌گر مکلف است دقت‌هایی را در کار خود لحاظ کند. بسیاری از نویسندگان وجود دارند که زحمت بسیاری کشیده، مقالات و کتاب‌هایی در حیطه کاری خود دارند، اما زمانی که آثارشان به دست یک محقق خارجی می‌افتد آن را مفید

نمی‌بیند. نباید دلیل این امر را همیشه تعصب، حسادت یا چنین مواردی دانست بلکه برخی بی‌دقتی‌های نویسنده، یکی از عوامل تأثیرگذار روی داوری ناظر بیرونی است. اگر نویسنده از بعضی مسائل به راحتی عبور کرده، نسبت به برخی مسائل دیگر دوپهلو سخن گفته و برخی اصطلاحات را به اشتباه به جای هم به کار برده باشد؛ دچار بی‌دقتی شده است.

در ادامه بحث خواهیم گفت که در یک فعالیت پژوهشی، چه نوع دقتی باید داشت و در چه مسائلی باید دقت کرد. در یک فعالیت پژوهشی باید دقتی بیش از حد معمول - یعنی دقتی که در یک مطالعه معمولی انتظار نمی‌رود - داشت. ممکن است اشتباهات و بی‌دقتی‌ها، اعتبار محقق را زیر سؤال برده یا به کلی از بین ببرد. نباید شأن یک کار پژوهشی را در حد نگارش یک نامه دانست؛ نامه‌ای که به راحتی می‌توان از چند اشتباه املائی آن صرف‌نظر نمود. یک محقق بی‌دقت که سهو قلم‌های زیادی دارد، در اتحادیه رسمی و غیر رسمی محققان جایگاهی نخواهد داشت و به راحتی از دایره آن اتحادیه کنار گذاشته خواهد شد. یعنی در پاورقی‌ها به آثار او ارجاع نخواهند داد و در نوشته‌هایشان از مقالات او استفاده نخواهند کرد. تنها روش برای راه‌یابی به اتحادیه محققان، بالا بردن کیفیت و رعایت استانداردهای تحقیقی است.

۱-۴. ویژگی‌های فردی محقق

تا این قسمت از بحث، مطالب نظری مطرح شد؛ اما اکنون باید به جنبه‌های عملی یک کار تحقیقی نیز توجه کنیم. باید در نظر داشت که تحقیق، کاری بس سخت و دشوار است. بخشی از این قضیه به ویژگی‌های فردی محقق و نوع تربیت وی بازمی‌گردد. از دیرباز نیز چنین بوده است. بعضی افرادی که وارد دانشگاه شده و فارغ‌التحصیل می‌شوند، در نهایت جذب کار آموزشی

می‌شوند. چون عاشق تعلیم و تربیت‌اند و دوست دارند افرادی را تربیت کرده و دانسته‌هایشان را به آنها منتقل کنند، یا کمی تا قسمتی از سختی‌های کار پژوهشی فراری‌اند! اما برخی نیز علاقه‌ای به کار آموزشی ندارند و این کار برایشان سخت است، یا شاید توانایی کار آموزشی را ندارند، بنابراین رو به پژوهش می‌آورند. ممکن است فردی یک عالم و محقق برجسته باشد، ولی در تدریس، استاد خوبی نباشد و نتواند دانشجویان را راضی کند؛ و به عکس، توانایی خوبی برای کار پژوهشی داشته باشد. این مطلب به ویژگی‌های فردی شخص، نوع گرایش‌ها، علاقه‌ها و احساسات او بازمی‌گردد. البته این بدان معنا نیست که پژوهش و آموزش، هرگز قابل جمع در یک نفر نباشند؛ اما غالباً کفه ترازو به یک طرف سنگینی می‌کند. حتی در دانشگاه‌های دنیا رسم است که استادان به دو دسته آموزشی و پژوهشی تقسیم‌بندی می‌شوند. یعنی تقریباً کادر آموزشی و کادر پژوهشی آنها جدای از هم است. هر دانشگاه، یک کادر پژوهشی برای راهنمایی رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و تهیه مواد درسی برای تغذیه استادان آموزشی دارد. بنابراین ممکن است یک استاد پژوهشی، معلم خوبی نباشد. همچنین ممکن است یک معلم آموزشی، پژوهش‌گر توانایی نباشد و از ثمره کار پژوهش‌گران استفاده کند. هیچ‌کدام از این‌ها به معنی کم‌ارزش شمردن دیگری نیست.

یک پژوهش‌گر مانند فردی نظامی است که صبح قبل از همه در محل کار حاضر است، ساعت خاصی نهار می‌خورد و همه کارهایش از روی نظم و برنامه انجام می‌گیرد. حتی در منزل هم یک نظامی است. فردی که به روش‌های تحقیق عادت کند، سعی می‌کند در همه کارهایش دقت را تا نهایت میزان ممکن رعایت کند. او غالباً خسته می‌شود از اینکه فقط حرف دیگران را تکرار کند و معمولاً به دنبال حقیقت قضایا است. حال اگر چنین فردی به عنوان مدرس سر کلاس برود، دانشجویان را عصبانی خواهد کرد! چرا که به همه چیز انتقاد می‌کند، سخن هیچ‌کس را قبول ندارد، با همه چیز

نسبی برخوردار می‌کند و از نظر دقت و نظم و ترتیب، دانشجویان را اذیت کرده، تکالیف سخت به آن‌ها می‌دهد و بسیاری ویژگی‌های خاص دیگر. این یک واقعیت است که اگر کسی تحقیق را به عنوان کار اصلی خود بپذیرد باید تبعات آن را هم بپذیرد و اگر از او بخواهند که یک مقاله سطح پایین بنویسد، نباید و نتواند چنین کاری انجام دهد. روش تحقیق و دقت‌های پژوهشی اموری هستند که فرد بدان‌ها عادت کرده و خود به خود، جزء خلق و خوی شخص می‌شوند و سپس، از دید عموم به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های خلقی نابهنجار انگاشته می‌شوند! یعنی ممکن است یک پژوهش‌گر متهم به سخت‌گیری، تندخویی و مواردی از این دست شود در حالی که ممکن است در واقع، چنین ویژگی‌هایی را نداشته باشد.

۱-۵. دامنه کاربرد روش تحقیق

یکی از سوء تفاهم‌هایی که معمولاً درباره روش تحقیق پیش می‌آید مربوط به دامنه کاربرد روش تحقیق است. آیا ملاصدرا که حکمت متعالیه را مطرح کرده و تا این حد در جهان فلسفه درخشیده، آیا با روش تحقیق آشنا بوده است؟ آیا برای اینکه یک فیلسوف تراز اول و حتی تراز دوم شویم باید روش تحقیق بدانیم؟ روش تحقیق را تا کجا می‌توان مورد استفاده قرار داد و اصلاً در چه موضوعاتی می‌توان از روش تحقیق استفاده کرد؟ پاسخ این سؤالات تا حدودی به گونه‌های مختلف علوم باز می‌گردد. در بعضی از گونه‌های علم، تحقیق به این معنا جایگاه دارد و در برخی دیگر، تحقیق اساساً معنای دیگری دارد. مهم این است که این تفاوت را دریافته و بتوانیم این گونه‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم. این پرسش در واقع همانند آن سؤال است که می‌گوید: آیا خداوند می‌تواند سنگی بیافریند که خودش نتواند آن را بلند کند؟ برای پاسخ دادن به این نوع پرسش‌ها باید ابهام و سوء تفاهم موجود در صورت مسئله را برطرف نمود.

۱-۵-۱. گونه‌های علوم

علم، انواع و گونه‌های مختلفی دارد. روش تحقیق تنها برای برخی از اقسام و گونه‌های علم است. علمی که بشریت امروز با آنها سر و کار دارد - علوم انسانی، تجربی، مهندسی و... - در مورد پدیده‌های خارجی به ما اطلاعات می‌دهند. یعنی علمی هستند که امور واقعی جهان خارج را برای ما کشف می‌کنند یا به تعبیر دیگر، یک پدیده و واقعیت را وصف نموده و چگونگی‌اش را برایمان تبیین می‌کنند.

مثال ۱: «کهکشان» در جهان خارج وجود دارد. علمی مانند ستاره‌شناسی، کهکشان را برای ما وصف نموده و می‌گوید که چیست؛ چه سیستمی دارد. کهکشان راه شیری از چه ستارگانی تشکیل شده است. تفاوت ستاره با سیاره چیست و سؤالاتی از این دست؛ ولی بدیهی است که کار یک ستاره‌شناس، به وجود آوردن یک ستاره جدید نیست.

مثال ۲: زیست‌شناسی طرز کار اعضای مختلف بدن را به ما می‌گوید. مثلاً توضیح می‌دهد که قلب چیست؛ ماهیچه‌هایش چگونه کار می‌کنند؛ کار خون‌رسانی را چگونه انجام می‌دهد و چه نوع بافتی دارد؛ اما کار یک زیست‌شناس این نیست که به قلب دستور دهد از این به بعد، به این شکل که من می‌گویم کار کن!

پس این علوم، «علوم توصیفی» هستند. یعنی اطلاعاتی از واقعیت‌های موجود در جهان به ما می‌دهند. در علوم انسانی هم علوم وصفی وجود دارد. به عنوان مثال، علوم قرآنی در زمره علوم وصفی قرار دارند. این علم به ما می‌گوید قرآن در چه زمانی نازل شده، چند بار نازل شده، مکی و مدنی‌اش کدام‌اند، چند سوره دارد، هر سوره چند آیه دارد، قرائات سبع چیست و... پس عمده کار علوم قرآنی، وصف یک سلسله ویژگی‌های مختلف مربوط به قرآن است. همین ویژگی دقیقاً در علوم حدیث هم وجود دارد، البته به

اضافه مسئله سند و رجال و درایه. این ویژگی‌های وصفی، این علوم را در زمره علوم وصفی قرار می‌دهد.

در مقابل این دسته، گروهی دیگر از علوم هستند که اتخاذ موضع می‌کنند و کارشان وصف واقعیت‌ها نیست. به این علوم، علوم موضع‌دار می‌گویند. این علوم نمی‌گویند چه چیزی هست، بلکه می‌گویند چه چیزی باید باشد. مثلاً علم اخلاق به ما می‌گوید چه کارهایی را باید انجام دهیم و از چه کارهایی باید پرهیز کنیم؛ یک انسان چه خصیصه‌هایی را باید و چه خصیصه‌هایی را نباید داشته باشد. اگر در این گونه علوم، وصفی هم وجود داشته باشد به عنوان مقدمه بحث‌های اصلی آن علم خواهد بود. یعنی اگر اخلاق، بخل را وصف می‌کند، در حقیقت وصف بخل یک موضوع مقدماتی برای علم اخلاق محسوب می‌شود. وظیفه علم اخلاق، مقید کردن افراد به دوری از بخل است نه وصف بخل و رذایل اخلاقی.

در رشته حقوق - که از جمله علوم موضع‌دار است - چپستی سرقت و ویژگی‌های یک سرقت مسلحانه یا غیر آن را توضیح می‌دهند اما وظیفه اصلی علم حقوق، شناساندن جرم نیست. وظیفه اصلی علم حقوق، تبیین باید و نباید قانونی برای افراد یک جامعه است. اینکه این فرد، قانوناً موظف است چه کارهایی را انجام بدهد و از چه کارهایی پرهیز کند، حقوق قانونی‌اش چیست و... همه این‌ها از جمله علوم هستند که نسبت به موضوعات خود، موضع می‌گیرند و قصد ایجاد و انشاء چیزی را دارند، نه قصد وصف چیزی که وجود دارد.

البته جایگاه برخی از علوم، محل بحث و نزاع است. یکی از علوم که در برهه‌ای از زمان، اشرف علوم وصفی بود و در چند قرن اخیر وصفی بودن یا موضع‌گیرانه بودن آن به شدت محل بحث قرار گرفته «فلسفه» است. شاید بتوان گفت درباره وصفی بودن فلسفه، اتفاق نظر وجود دارد اما بسیاری از منتقدان فلسفه در قرون اخیر معتقدند بعضی از حرکت‌های فیلسوفانه قرن‌های گذشته به قصد وصف جهان صورت گرفته ولی در عمل،

انشاء سلسله‌ای از واقعیات فرضی بوده است. به هر حال چنین نزاع‌هایی وجود دارد که در صدد پرداختن به آنها نیستیم. حتی بعضی با تکیه بر معنای لفظی علم و دانش معتقدند زمانی که چیزی هست و ما بر آن اطلاع پیدا می‌کنیم آن علم حاصل می‌شود، ولی زمانی که ما می‌گوییم این چیز باید به این شکل باشد، این از مقوله علم نیست؛ به خصوص کسانی که تا حدی برخورد دیالکتیکی با مسئله دارند، بر این مطلب تکیه داشته و نام علم را فقط بر سر نوع اول می‌گذارند و اصلاً به نوع دوم علم نمی‌گویند. سردمدار این تفکر در قرون اخیر مارکسیست‌ها بوده‌اند.

هدف از طرح این بحث‌ها این بود که بگوییم مباحث «روش تحقیق» به علوم وصفی مربوط می‌شوند. حتی اگر روش تحقیق در حوزه رشته‌هایی مانند حقوق، اخلاق و دیگر علوم موضع‌دار مثل فقه به کار رود، تنها در شاخه‌هایی از این علوم که جنبه‌های وصفی دارند قابل استفاده است. در مباحث و رشته‌های وصفی‌ای همچون تاریخ حقوق، تاریخ فقه، بررسی تطبیقی حقوقی، یا بررسی تطبیقی فقهی که جنبه‌های وصفی دارند می‌توان از روش تحقیق استفاده نمود ولی در جنبه‌هایی از این علوم که صرفاً انشایی و موضع‌گیرانه هستند نمی‌توان از آن استفاده کرد. هر یک از آن علوم در جنبه‌های موضع‌گیرانه، روش‌های خاص خود را دارند. مثلاً رسیدن به یک فتوا در یک مسئله خاص فقهی، نیازمند استفاده از اصول فقه است. در این موارد دیگر نیازی به استانداردهای روش تحقیق نیست. همچنین قانون‌گذاری که می‌خواهند قانونی را در مجلس تصویب کنند کاری به روش تحقیق ندارند و روش‌های خاص خود را برای تشخیص مصالح و تصویب قوانین دارند.

در مورد علم فقه باید این نکته را اضافه نمود که این علم از نوع علوم وصفی نیست و قضایای مطرح در این علم برای مراجع و مقلدان، قضایای انشائی هستند. البته ممکن است این قضیه‌های انشائی مسبوق به سلسله‌ای از قضایای وصفی باشند ولی نتیجه قضیه، انشائی است. بنابراین باید فقه را در

زمره علوم موضع دار تلقی کرد. کار فقه این نیست که بگوید در قرآن چه آمده؛ در سنت نبوی چه آمده؛ علما بر چه چیزی اجماع کرده‌اند؛ اصل عدم در این مورد چیست؛ آیا در این مورد می‌توان اصل را اجرا کرد یا خیر؛ بلکه وظیفه فقه این است که واجبات و محرمات را تعیین کند و بگوید این کار را باید انجام داد و این کار را نباید؛ درست مثل علم اخلاق و علم حقوق. البته نوع باید و نبایدهای این علوم، متفاوت است.

۱-۶. اهداف این کتاب

تا اینجا قدری درباره ماهیت تحقیق و تفاوت‌های میان تحقیق و مطالعه بحث شد. قبل از اینکه وارد مباحث عملی یک پژوهش شویم، باید هدف خود از سلسله مباحث این کتاب را مطرح کنیم. دو هدف عمده در این کتاب پی‌گیری می‌شود:

- شناسایی روش‌های نگارش یک تحقیق استاندارد

- آشنایی بیشتر با فضای تحقیق، ابزارها و وسایل پژوهشی

ممکن است برخی مباحث این کتاب و استانداردهایی که برای روش تحقیق مطرح می‌کنیم به هیچ وجه بحث تازه‌ای برای شما نباشد. واقعیت قضیه این است که کار برخی از علوم این نیست که حتماً هر روز یک حرف تازه و تکان‌دهنده به ما بیاموزند که تا دیروز اصلاً به گوشمان نخورده بوده است. ما در طول زندگی خود، از کودکی تا این سن، تجربه‌ها و اطلاعات پراکنده‌ای در مورد قضایای مختلف داریم و می‌توانیم در مورد آن‌ها مطالب زیادی بگوییم. بعضی از علوم، برای استاندارد نمودن، سازمان‌دهی و همسان‌سازی اطلاعات است. اصلاً تصور کنید با مطالعه این کتاب، وارد یک پادگان شده‌اید. همه شما راه رفتن بلد هستید اما آمده‌اید تا یک نوع راه رفتن خاص (رژه) را بیاموزید. البته قول می‌دهیم که بعضی حرف‌های تازه هم خواهیم زد!

۷-۱. استانداردهای تحقیق

۱-۷-۱. ایده

حال می‌خواهیم در عمل یک تحقیق را شروع کنیم. چه باید کرد؟ یک دور فلسفی در تحقیق وجود دارد که شاید در نگاه اول آن را به یک امر غیرممکن تبدیل کند. قبلاً گفتیم تحقیق باید حرفی نو داشته باشد. حال می‌خواهیم بگوییم که در آغاز کار نیز باید حرف نو داشته باشد. یعنی تا زمانی که یک پژوهش‌گر، حرف نو و فکر نو نداشته باشد، نمی‌تواند شروع به تحقیق کند؛ از سوی دیگر برای اینکه حرف نو داشته باشد باید تحقیقی انجام داده باشد؛ و این دور است و غیرممکن؛ لذا هرگز هیچ تحقیقی انجام نخواهد شد، چون لازمه آن، وقوع یک امر غیرممکن است و ظاهراً نیز همین‌طور است! در جواب این دور باید گفت که نمی‌توان یک تحقیق را از صفر شروع کرد. فرد باید در زمینه علمی مربوط، به مرحله‌ای از دانش رسیده باشد که یک ایده و فکر نو در ذهنش ایجاد شده باشد تا این ایده نو، آغازی بر یک تحقیق باشد. سپس تحقیق را انجام داده و در پایان، آن ایده به یک علم اثبات‌شده تبدیل شود.

برای اینکه به یک کشف علمی برسیم، صرف تلاش و زحمت و عرق ریختن، مشکلی را حل نمی‌کند بلکه باید فکر و ایده‌ای وجود داشته باشد. پس اگر روزی جرقه یک ایده در ذهنمان زده شد، مهم این است که ابزار انجام آن تحقیق را داشته باشیم و روش تحقیق را به خوبی بشناسیم. چیزی که در این کتاب مطرح می‌کنیم، دستور پخت و ارائه یک ایده به یک شکل قابل قبول است. مواد اولیه را باید خودتان داشته باشید و نوع غذا را هم باید خودتان انتخاب کنید.

البته تضمینی وجود ندارد که هر ایده، الزاماً به نتیجه برسد. همیشه نود درصد اختراعات و اکتشافات علمی منتهی به شکست است. لازم نیست هر کاری که شروع می‌کنیم حتماً در انتها، نتیجه‌ای از آن بگیریم. ادیسون جمله

معروفی دارد به این مضمون که: «من نهصد و نود و نه روش می‌دانم که به اختراع چراغ برق منتهی نمی‌شود!». تحقیق، کار پرزحمتی است که فقط در برخی از موارد به نتیجه می‌رسد؛ بنابراین باید برخورد واقع‌بینانه‌ای با آن داشت.

۱-۷-۲. تعیین موضوع (عنوان)

اولین گام کاربردی نمودن تحقیق، «موضوع‌یابی» و پس از آن، «تعیین عنوان» است. مطلبی به ذهن محقق رسیده و جرقه‌ای در ذهنش زده شده، حال می‌خواهد برای آن عنوان تعیین کند. اولین کار در یک تحقیق این است که ببیند درباره چه چیزی می‌خواهد تحقیق کند. از نخستین مشکلات یک محقق این است که در لابه‌لای کار، موضوع خود را گم می‌کند یا موضوع امروزش با موضوع دیروز وی متفاوت می‌شود. چنین تحقیقی هرگز به سرانجام نخواهد رسید. باید هدف خود را از تحقیق مشخص کند و بداند که قرار است چه چیزی را ثابت کند. از آنجا که مجهولات انسان، میلیون‌ها برابر معلومات اوست، اگر مسیر را به درستی نشانه‌گذاری نکند گم می‌شود. اولین قدم برای نشانه‌گذاری و یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مراحل تحقیق، انتخاب موضوع و عنوان است. انتخاب عنوان، یک کار زینتی و لوکس نیست بلکه یک کار اساسی است. یک نقطه شروع که باید ادامه کار را بر گرد این محور تنید. اگر عنوانی در کار نباشد اصلاً این محور را نخواهیم داشت، بدون نقطه شروع خواهیم بود و حرکتمان یک حرکت لغو و عبث خواهد بود.

یکم. استانداردهای تعیین موضوع (عنوان)

الف. انتخاب واژه‌های تعریف‌شده و معنی‌دار

واژه‌های یک عنوان باید کاملاً تعریف‌شده و معنی‌دار باشند تا فوراً بتوان آن تحقیق را در طبقه‌بندی موضوعی صحیح قرار داد. در زبان فارسی واژه‌های

فراوانی وجود دارد و ما در انتخاب عنوان، آزاد هستیم. بعضی از واژه‌ها مناسب شعر و شاعری است و برخی واژه‌ها، دارای معانی خاص و کلیدی است. توصیه ما، انتخاب عنوان تحقیق با استفاده از واژه‌های کلیدی با مفهوم روشن، مشخص و فاقد ابهام است. این در حالی است که در ادبیات و صناعات ادبی چه بسا توصیه کنیم سراغ واژه‌های مبهم بروید، چرا که حسن ابهام در امکان برداشت‌های متعدد از یک مفهوم است.

به عنوان مثال برای تحقیق خود یک ظرف زمانی تعیین کنید: «روضه‌خوانی در عصر قاجار». در این صورت به محض اینکه وارد عصر صفویه شوید از موضوع تحقیق خود خارج شده‌اید. گاهی عنوان تحقیق مبهم است. مثلاً در عنوان «سبک‌های روضه‌خوانی در دوره‌های اخیر»، مشخص نیست که منظور از دوره‌های اخیر چیست. آیا دوره مغول نیز به یک معنا جزء دوره‌های اخیر است؟ آیا منظورتان از دوره کریم خان زند به بعد است؟ یا دوران طاغوت یا از آغاز انقلاب اسلامی؟ ابهام در عنوان سبب گیج شدن محقق می‌شود. نباید در انتخاب عنوان از مفاهیم نسبی استفاده شود. مثلاً در محاورات روزمره می‌گوییم جمعیت تهران خیلی بیشتر از اصفهان است، در حالی که می‌توان میزان آن را با دقت هم مشخص کرد. این تعبیرات، غیر علمی است و نمی‌توان در یک کار پژوهشی از آن استفاده نمود.

وقتی از یک واژه مبهم استفاده می‌کنیم دو علت دارد: گاهی واقعاً استاندارد یک کار علمی و روش درست نوشتن را نمی‌دانیم که این، خود یک نقص است. گاهی نیز از بعضی مسائل فرار می‌کنیم؛ چون بهای دقت در کار تحقیقی، زحمت فراوان و رجوع به منابع بیشتر است. کلی‌گویی‌ها، مبهم‌گویی‌ها و از زیر بار بعضی مسائل گریختن‌ها، از بلاهای نسبتاً فراگیری است که معمولاً در کارهای پژوهشی وجود دارد.

ب. سنجش امکانات محلی برای تحقیق

میلیون‌ها موضوع برای تحقیق در سرتاسر جهان وجود دارد ولی نمی‌توان در همه جای دنیا روی آن موضوعات کار کرد. در هر جا به تناسب شرایط، زمینه برای موارد محدودی از پژوهش‌ها آماده است. فرضاً اگر شخصی بخواهد درباره آداب و رسوم اسکیموها در مراسم خواستگاری و ازدواج یک کار تحقیقی انجام دهد، در ایران امکانات محلی برای تحقیق درباره چنین موضوعی وجود ندارد. حداکثر این است که جملاتی از چند منبع و دایرةالمعارف در ایران در این موضوع، مطلبی داشته باشند. اما این یک تحقیق نیست، چون قرار شد تحقیق یک حرف نو داشته باشد. انتخاب این تحقیق از سوی فردی که قرار است در ایران سکونت داشته باشد، نهایت نادیده گرفتن امکانات محلی است. اگر قرار است حاصل این تحقیق، حرف تازه‌ای باشد، این فرد حتماً باید به قطب شمال سفر کند.

گاهی هم ممکن است امکانات محلی وجود داشته باشند، اما ناکافی و محدود باشند؛ به شکلی که اگر این تحقیق خاص را در جای دیگری انجام دهیم، امکان به نتیجه رسیدن آن بیشتر خواهد بود. بنابراین بهتر است چنین تحقیقی را هم در این شرایط انجام ندهیم. به عنوان نمونه، این‌گونه نیست که در ایران، اصلاً نتوانیم درباره «آداب و رسوم مردم عراق» تحقیق کنیم، ولی مسلماً اگر این تحقیق در خود عراق صورت گیرد نتیجه بهتری خواهد داشت. حتی در کشورهایی که شبکه اطلاع‌رسانی بسیار قوی دارند، چنین توصیه‌ای مطرح می‌شود. هر تحقیقی نیازمند مطالعات و دقت‌هایی است که نمی‌توان همه آن‌ها را از لابه‌لای نوشته‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی به دست آورد. در بسیاری از موارد، یک پژوهش‌گر نیازمند شناسایی، مشاهده و لمس از نزدیک محیط و موضوع است.

ج. سنجش امکانات شخصی

ممکن است فردی برای انجام یک تحقیق، نیاز به ابزارها و امکاناتی داشته باشد. مثلاً برای تحقیق درباره موضوعی در علوم سیاسی، لازم است که به اینترنت دسترسی داشته باشد و اگر این امکان را نداشته باشد، عملاً تحقیقش منتفی و غیرممکن خواهد بود. بنابراین ممکن است امکانات محلی وجود داشته باشند اما شخص پژوهش‌گر، از آنها برخوردار نباشد. مثلاً کتابخانه‌های متعددی در تهران وجود دارد که برای تحقیق‌مان مفید هستند اما به دلیلی مجبوریم که در یکی از شهرستان‌ها زندگی کنیم و امکان رفت و آمد به تهران را نداریم. طبیعی است که چنین تحقیقی را نمی‌توانیم انجام دهیم. لذا نباید بلندپروازی کرد و در مورد امکانات باید واقع‌بینانه برخورد نمود.

البته امکانات شخصی، جنبه‌های گسترده‌تری هم پیدا می‌کنند. یک تحقیق به امکانات مادی، علمی و معنوی نیاز دارد. برخی پژوهش‌ها مستلزم هزینه‌های مالی و مسافرت‌های متعدد به خارج از کشور است. اگر چنین امکانی را نداریم، نباید آن تحقیق را انجام دهیم. از جمله امکانات شخصی، سواد و علم محقق است. یعنی باید پایه‌ها و مبانی علمی زمینه مربوط به آن تحقیق خاص را بداند. اگر موضوع تحقیق مربوط به دامنه‌هایی است که از حوزه تحصیلات و علم ما خارج است و در عین حال به آن علاقه‌مند هستیم، باید مقدمات علمی مورد نیاز را فرا بگیریم و اگر نمی‌توانیم، باید از آن تحقیق دست برداریم.

امکانات شخصی شامل زبان خارجی هم می‌شود. مثلاً شخصی یک موضوع روسی انتخاب کرده در حالی که اصلاً با زبان روسی آشنا نیست. هر چند ممکن است پنج کتاب در آن موضوع از روسی به فارسی یا انگلیسی ترجمه شده باشد ولی ۹۵ درصد بقیه منابع وی به زبان روسی است و او نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند. نود و پنج درصد برای یک پژوهش‌گر، رقم بسیار بالایی است؛ حتی اگر از چهل درصد منابع، محروم باشد نباید آن

موضوع را برای تحقیق انتخاب نماید. اگر شخصی توانایی استفاده از منابع اصلی را نداشته باشد، به منابع دست دوم و نوشته‌های دیگران متکی می‌شود. اگر محقق به سخن دیگران (مترجمان) متکی شود دیگر نمی‌تواند نظر قاطع و محکمی در آن زمینه ارائه دهد، بلکه این دیگران هستند که او را هدایت می‌کنند و این خود او نیست که به سمت یک هدف حرکت می‌کند. چنین تحقیقی بی‌فایده است.

د. ضرورت

آخرین مسئله‌ای که در انتخاب موضوع مؤثر است، ضرورت آن است. باید به این سؤال پاسخ داد که اصولاً چه نیازی به چنین تحقیقی هست؟ در بعضی شرایط، چیزی که خرج می‌کنیم محدود است ولی چیزی که انتظار داریم، نامحدود است. مثلاً هر کس دوست دارد صد دست کت و شلوار بخرد و هر روز یکی از آنها را بپوشد ولی امکاناتش محدود است. کار تحقیقی نیز به همین صورت است. وقتی یک پژوهش‌گر وارد عرصه تحقیق می‌شود، میلیاردها موضوع تحقیق نشده در مقابل دیدگان او رژه می‌روند که می‌توان در مورد هر کدام از آنها تحقیق کند. من شخصاً دوست دارم راجع به هر موضوعی تحقیق کنم اما توانایی‌ام محدود است و ممکن است در طول یک سال، موفق به انجام تنها یک کار تحقیقی شوم. تا آخر عمر هم خواهم توانست تحقیقات محدودی انجام دهم. هم تعداد محققان کم است و هم مدت زمانی که برای تحقیق دارند. بنابراین مسئله جیره‌بندی پیش می‌آید. یک جامعه، هزینه‌های پژوهش‌گران خود را از مالیات و منابع دیگر تأمین کرده و برای تحصیلات، استخدام و حقوق او تلاش می‌کند و از او کار تحقیقی می‌خواهد. حال اگر چنین فردی بگوید من از تحقیق درباره مشت‌زنی خوشم می‌آید و می‌خواهم درباره آن تحقیق کنم، چنین موضوعی نه به درد دنیا می‌خورد نه به درد آخرت! چرا که نیروهای محقق یک جامعه